



فصلنامه علمی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری

سال ۱۱، شماره پیاپی ۴۱، تابستان ۱۳۹۹

شاپا چاپی: ۵۲۲۹-۲۲۲۸ - شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

<http://jupm.miau.ac.ir>

مقاله پژوهشی

تدوین الگوی توسعه اجتماع محلی در شهرهای اسلامی^۱

محمدتقی پیربابایی^۲: دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران

پریسا هاشم‌پور: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران

پیمان زاده‌باقری: دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

صص ۹۹-۱۱۲

دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۲

چکیده

مبحث توسعه اجتماع محلی به رغم سابقه نسبتاً طولانی در متون و نوشتارهای علمی و اجرایی، در اواخر دهه ۱۹۸۰ در قالب نظریه توسعه محلی مورد توجه قرار گرفت. این در حالی است که شاخص‌های مربوط به توسعه اجتماع محلی در شهرهای اسلامی به رغم وجود بنیادهای معرفتی آن در کانون توجه پژوهشگران قرار نداشته و پژوهش‌های انجام شده در این مورد بسیار اندک‌اند. از این‌رو شناسایی شاخص‌ها و میزان اهمیت آنها برای تدوین الگویی در جهت توسعه اجتماعات محلی مناسب با شرایط شهرهای اسلامی می‌تواند این رهیافت برنامه‌ریزی را بیش از پیش در شهرهای اسلامی کارا تر سازد. هدف این پژوهش، شناسایی عناصر الگوی توسعه اجتماعات محلی در شهر اسلامی است و روش این مطالعه با توجه به سؤالات و اهداف پژوهش، کیفی است که در دو مرحله بازبینی مدون متون و پیمایشی-مصاحبه با خبرگان به روش دلفی-صورت گرفته است. حجم نمونه مطالعاتی ده نفر از صاحب‌نظران حوزه توسعه اجتماع محلی و شهر اسلامی هستند که به شکل هدفمند انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داده است که ابعاد اصلی الگوی مورد نظر شامل ۴ مؤلفه، ۱۳ معیار و ۲۳ شاخص می‌باشد که در این الگو، وزن هر دسته و ترتیب اهمیت شاخص‌ها در هر دسته نشان داده شده است. طبق نظر خبرگان مهم‌ترین مؤلفه مربوط به سیاست‌های کاربردی توسعه اجتماع محلی با امتیازی برابر با ۸/۳۱ است که دارای معیارهایی چون عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری، توانمندسازی و مشارکت در امور محله می‌باشد. پس از آن مؤلفه سرمایه اجتماعی محله با امتیاز ۸/۲۷، دارای‌های مالی محله با امتیاز ۸/۲۳ و مؤلفه نهادها و عوامل اثرگذار با امتیاز ۸/۱۵ قرار دارند. در پایان دور سوم روش دلفی، ضریب هماهنگی کندال برای این پژوهش معادل ۰/۵۹ بدست آمد که به مقدار نسبتاً متوسط تا زیاد می‌توان به ترتیب عوامل آن اعتماد کرد.

واژگان کلیدی: اجتماع محلی، توسعه اجتماع محلی، شهر اسلامی، روش دلفی.

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری نگارنده سوم به راهنمایی نگارنده اول و دوم است که در دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام می‌باشد.

^۲ نویسنده مسئول: ۴۱۳۵۵۳۹۲۰۷ - pirbabaei@tabriziau.ac.ir

مقدمه:

در تجربه‌ای که بیش از نیم قرن سابقه دارد، همواره قانونمند ساختن زندگی شهرها، شهرنشینی و رشد کالبدی و فضایی شهرها، دلمشغولی مهمی بشمار رفته است. تجربه طرح‌های جامع که زمانی تلاش می‌کرد تا کلیت شهر را در دوره‌های زمانی مختلف، یکجا بنگرد و تحولات آن را در چارچوب قواعدی منظم به پیش برد و مدیریت کند، با فرایند پویا و زنده شهری همخوان به نظر نرسید (Hudson, ۲۶: ۱۹۷۸). از قضا، تبعیت از طرح جامع سبب مقابله با پویایی بادشده که پیش‌بینی تمامی اجزای آن غیرممکن بود، محسوب گردید. پس از آن، چنین تصور شد که اگر طرح جامع با طرح تفصیلی همراه شود، کل و جز یکجا پوشش داده خواهد شد. ولی بازهم، خیلی زود، مشخص شد که طرح جامع و طرح تفصیلی، که به مدرک کاربری زمین و تحولات آن تقلیل یافته بود، نمی‌تواند تحولات شهری را هدایت کند. از این‌رو، و در پاسخ به کاستی‌های طرح جامع و تفصیلی، بالاخره سخن از الگوی برنامه‌ریزی راهبردی شهر پیش آمد (Piran et al, 110: 2014). در برنامه‌ریزی راهبردی مقوله‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران بر آن پای می‌فشارند، تقویت و اهمیت سطوح محلی و حضور انجمن‌ها و نهادهای مدنی در میدان تصمیم‌گیری با تاکید بر نقش شهروندان و مشارکت واقعی آنها در عرصه فعالیت‌ها و اقدامات روزمره است (Sarraf et al, 2015: 306). بر این اساس بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مدیریت و برنامه‌ریزی، بر بکارگیری برنامه‌ریزی "از پایین به بالا" مبتنی بر "اجتماعات محلی" و "توسعه اجتماع" و "برنامه‌ریزی توسعه اجتماع" تاکید دارند. این رهیافت از برنامه‌ریزی بر ظرفیت‌های موجود در اجتماع، توجه به سرمایه‌های اجتماعی، حضور نهادهای مدنی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و مشارکت مردم در فعالیت‌های شهری و ارائه مسیری کارآمد برای حل مشکلات برنامه‌ریزی تاکید دارد. این رهیافت جدید بعنوان برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و غیرجامع بر پایه برنامه‌ریزی دموکراتیک در مقابل برنامه‌ریزی ناکارآمد جامع و رسمی است و بر قلمرو اجتماع محلی یعنی جایی که زندگی واقعی و روزمره مردم جریان دارد و رفتارهای جمعی ظهور پیدا می‌کند در مقیاس خرد شهری تاکید دارد (Friedmann, 1987: 483). در کشور اسلامی ایران به تقلید از غرب، سایه طرح‌های جامع چندین دهه است که بر برنامه‌ریزی شهری در داخل کشور سنگینی می‌کند. با حاد شدن مسایل شهرنشینی و شهرسازی و انجام مطالعاتی در زمینه‌ی طرح‌های شهری جنبه‌هایی از ناکارآمدی طرح‌ها و شیوه‌های موجود مشخص گردید که نتایج آنها منجر به انجام تغییرات و اصلاحاتی در روش و مراحل تهیه و تصویب طرح‌های جامع شد. با وجود اصلاحات صورت گرفته در شرح خدمات همسان، همچنان معضلات سازمان فضایی شهرها رو به فزونی نهاد و زمزمه‌های همگامی با تحولات جهانی برنامه‌ریزی توسعه‌ی شهری شروع شد و طرفداران تغییر رویکرد در تهیه‌ی طرح‌های شهری افزایش پیدا کرد. انتقادات وارد شده بر شیوه‌ی برنامه‌ریزی شهری، باعث واکنش نهادهای مسئول از جمله سازمان مدیریت و وزارت مسکن و شهرسازی سابق و ارائه‌ی الگوی طرح‌های راهبردی باز هم به تقلید از غرب شد و پس از آن بود که الگوی توسعه اجتماع محلی بسیار مورد توجه مدیران و برنامه‌ریزان شهری در داخل کشور قرار گرفت و به تبعیت از آن پژوهش‌هایی نیز به این مهم پرداختند (Mehdizadeh et al, 2011: 302). اما در این میان چیزی که مغفول مانده بازروایی محلی این الگو در پرتو جهان‌بینی غالب و بستر فرهنگی جامعه ماست، چرا که استفاده از هر الگوی جهانی، در مختصات محلی به تغییراتی متناسب با زمینه فرهنگی آن محل نیاز دارد (Daneshpour & Roustae, 2013: 9) و از آنجا که الگوی توسعه اجتماع محلی در کشورهای غربی، بر جهان‌بینی مادی و نظام ارزشی غرب استوار است، این‌گونه به نظر می‌رسد که استفاده از این الگو، بدون توجه به جهان‌بینی اسلامی نمی‌تواند کارایی چندانی در شهرهای اسلامی داشته باشد. از این رو به منظور رفع این گونه مشکلات، اولین گام شناسایی اجزا و عناصر الگوی توسعه اجتماع محلی در شهر اسلامی می‌باشد. پرسش اصلی پژوهش این است که الگوی توسعه اجتماع محلی در شهر اسلامی شامل چه ابعاد و شاخص‌هایی است و میزان اهمیت آنها از نظر میزان تأثیر بر اثربخشی عملکرد محله چقدر است؟

پیشینه و مبانی نظری پژوهش:

صرافی و دیگران (۱۳۹۴) در کتاب خود با عنوان "پایداری شهر ایرانی: کندوکاو در چالش‌ها و نقش برنامه‌ریز توسعه‌ی شهری" توسعه اجتماعات محلی را سنگ بنای پایداری شهرها دانسته و حرکت از پایین و تلاش برای تشکیل اجتماعات محلی را بهترین سازوکار برای حل مشکلات شهری و در نهایت رسیدن به جامعه مدنی و رستگاری شهر ایرانی اسلامی می‌داند. صادقی و دریس (۱۳۹۳) در مقاله خود با

¹. bottom-up planning

². Neighbourhood Society

³. Society development

⁴. Society development planning

عنوان "نقش نهاد مسجد در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت"، ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بالقوه مسجد (همانند توانایی تنویر افکار عمومی، بسیج کردن نیروهای مختلف اجتماعی، سازماندهی کردن این نیروها، مسئولیت‌پذیر ساختن افراد و ...) را برای دستیابی به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت لازم و ضروری می‌داند. اوتار^۱ (۲۰۰۰) در پژوهش خود با عنوان "سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماع محلی" ظرفیت‌سازی در سطح محله از طریق شناخت سرمایه اجتماعی را مهمترین عامل در توسعه اجتماع محلی در محلات می‌داند و در بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماع محلی، ارتباط بین تک‌تک مؤلفه‌ها با توسعه اجتماع محلی را مورد تأیید قرار می‌دهد. نتایج تحقیق اوتار بیانگر آن است که مؤلفه‌های اعتماد و اتصال به شبکه‌های اجتماعی مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعات محلی می‌باشند. نیشادی باتجوی^۲ (۲۰۰۵ میلادی) در مقاله خود با عنوان "حضور بخش مذهبی در توسعه اجتماع محلی" به بررسی وسعت خدمات ارائه شده و شباهت و تفاوت‌های مکانی بین سازمان‌های اجتماع محور سکولار و گروه‌های مذهبی که به ارائه خدمات در فیلادلفیای شمالی می‌پردازند، پرداخته است. این پژوهش از رویکردهای کمی و کیفی و ابزارهایی برای تحلیل فضایی استفاده کرده تا اطلاعات بدست آمده را بررسی کند و اثر بخشی مذهب، در توسعه اجتماع محلی را بسنجد. مقاله نتیجه‌گیری می‌کند که نهادهای مذهبی و به ویژه اجتماعات و سازمان‌های دین محور، حضور اجتماعی مهمی در خدمات رسانی دارند و در جایی که کار می‌کنند به عنوان یاورانی خاموش در خدمات رسانی به افراد اهمیت حیاتی دارند و برای توسعه محلی در نواحی شهری امریکا سرمایه نهادی (هر چند اغلب دیده نمی‌شوند) کمک‌های مهمی فراهم می‌آورند.

مفاهیم مرتبط با توسعه اجتماع محلی در شهر اسلامی:

انگاشت اجتماع و اجتماع محلی: اگرچه انگاشت اجتماع در معانی مختلف و متعدد به کار می‌رود ولی جوهر مشترک آن‌ها معرف نوعی فضای اجتماعی است که در آن بُعد مکانی و بُعد اجتماعی وحدت پیدا کرده است. این مفهومی است که از نظر برنامه‌ریزی شهری بسیار حائز اهمیت است. در واقع آنچه بر ادبیات اجتماع تسلط دارد، فضا و ویژگی‌ها و تعاملات است. اجتماعات با وجود ارتباطات اعضای خود موجودیت می‌یابد و فقط واحدهای قلمرویی تلقی نمی‌شوند، بلکه شامل اتصالات موجود میان مردم‌اند که منافع مشترکی را در شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی سهیم‌اند (Grant, 2006: 26). اجتماع محلی نیز به اجتماع مبتنی بر مکان یا محله به منابع انگاشت سنتی در نواحی خرد شهری که در محدوده‌ای مشخص و متمایز دور یک سکونتگاه یا ناحیه‌ای با افرادی که در مجاورت هم زندگی می‌کنند و تعاملات رو در رو بر اساس نزدیکی سکونت دارند، دلالت دارد. اجتماع محلی، به مثابه موجودیت جمعی شامل افرادی با گوناگونی (چون سن، جنسیت، زبان، قوم)، که در مجاورت فضایی دارای پیوندهای روانشناختی با همدیگر با تعامل اجتماعی و اقتصادی در مکانی که زندگی می‌کنند چون نواحی خرد شهری با طرح کالبدی شامل کاربری زمین و تسهیلات زیربنایی مورد توجه است (Deller & Shields, 1998). انگاشت توسعه اجتماع محلی: انگاشت توسعه اجتماع محلی بر این باور است که یک شهر یا یک واحد همسایگی فقط مجموعه‌ای از ساختمان‌ها نیست بلکه اجتماعی از مردم که با مشکلات مشترک روبرویند و با داشتن ظرفیت‌هایی برای خود بهبودی^۳ که هنوز بی‌استفاده باقی مانده است تلاش می‌کنند. تعاریف ابتدا به افراد و ارتباط آن‌ها اشاره می‌کند و سپس به مکان‌های جغرافیایی و این امر را یادآور می‌شود که بدون مردم و ارتباطات میان آن‌ها یک اجتماع فقط مجموعه‌ای از ساختمان‌ها و خیابان‌هاست. در این رابطه توسعه اجتماع محلی، شکل توسعه اجتماعات قوی‌تر از افراد و ارتباطات اجتماعی و روانشناختی که آن‌ها در آن سهیم‌اند را به خود می‌گیرد. مباحثی که بر این جنبه از توسعه اجتماع محلی تمرکز می‌کند به مانند یک فرایند آموزشی در توانمندسازی شهروندان در رویارویی با مشکلات با تصمیم‌سازی گروهی است و یا احتمال دارد که توسعه اجتماع محلی را بعنوان درگیری در فرایند برشمرد که در پی دستیابی به ارتقا در برخی جنبه‌های زندگی اجتماع است که به شکل طبیعی چنین عملی به قوی نمودن الگوی اجتماع، ارتباطات نهادی و انسانی منجر می‌شود (Phillips & Pittman, 2009: 3).

انگاشت مشارکت: انگاشت مشارکت از اساسی‌ترین مفاهیم مرتبط با توسعه اجتماع محلی است که تعاریف متعددی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی از آن وجود دارد. در امر برنامه‌ریزی مفهوم اصلی مشارکت مردمی دخالت دادن مردم در زمینه‌هایی از توسعه و برنامه‌ریزی شهری است که با عموم شهروندان مربوط است. دخالت دادن مردم در طیفی از اختیار کامل در برنامه‌ریزی تا دخالت سطحی آنان را دربر

¹. Autar

². Nisha D botchwey

³. self improvement

⁴. empowerment

می‌گیرد. مشارکت کامل فقط در جایی تحقق می‌یابد که مردم بتوانند نقش فعال در فرایند تهیه برنامه بر عهده گیرند (Arnstein, 1969: ۲۲۱). آنچه در مفهوم مشارکت در فرایند توسعه اجتماع محلی اهمیت می‌یابد، چگونگی موثر بودن دانش و اطلاعات ساکنان در فرایند مشارکت است. به بیان دیگر "بسیج اجتماع" و "ظرفیت‌سازی اجتماع" برای تأثیرگذاری در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و مشارکت هدفمند در توسعه اجتماع نقش اساسی دارد (Christenson & Robinson, 1989: 77).

انگاشت سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی، حدی است که طی آن اعضای یک اجتماع می‌توانند به طور مؤثری برای توسعه و پایدار کردن روابطشان با یکدیگر کار کنند؛ و به طور مؤثری نیز با یکدیگر همکاری کنند تا بدین وسیله بتوانند برنامه‌ریزی کنند، اهداف را تبیین کنند و کارها را به انجام برسانند (Phillips & Pittman, 2009: 6). در اسلام سرمایه اجتماعی بر اساس اصول اسلامی نظیر وحدت، اخوت و تعاون شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد. سرمایه اجتماعی اسلامی از نظر شیوه‌های شکل‌گیری و توسعه، متفاوت از سرمایه اجتماعی غیر-اسلامی است، ولی همان انواع و کارکردها را دارا می‌باشد (Afsari, 2013: 103). در ادبیات توسعه اجتماع محلی، آنچه که منجر به توسعه اجتماع می‌شود و یا رسیدن به آن را تسهیل می‌کند، به عنوان سرمایه اجتماعی نامیده می‌شود که نمایان‌گر توانایی ساکنان برای سازمان‌دهی و بسیج منابع برای انجام اهداف مورد توافق تعریف شده است، یا منابع جاسازی شده در روابط اجتماعی میان افراد و سازمان‌هایی که مشارکت و همکاری در اجتماعات را تسهیل می‌کنند (Christenson & Robinson, 1989: 61). اداره و مدیریت شهرها بویژه در سطح اجتماعات محلی بدون اعتماد و مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری و محلی و بکارگیری نظام‌مند سرمایه اجتماعی در خدمت توسعه شهری ممکن نخواهند بود. این امر افزایش تعلق و نظم اجتماعی شهروندان را به همراه آورده و تعامل و ارتباط فراگیر مردم و مدیران شهری را موجب می‌شود و علاوه بر پویایی اجتماعی اجتماعات شهری سبب گسترش مناسبات و روابط اجتماعی در سطح اجتماعات و بین شهروندان شده و در کل ظرفیت‌ها و مهارت‌های افراد را در گشودن مشکلات افزایش داده و آنان را از حمایت‌های اجتماعی بهره‌مند می‌سازد (Molahasani, 2014: 2).

انگاشت شهر در اندیشه اسلامی: اسلام از ادیان و مکاتب نادری است که در شهر شکل گرفته و اساساً نسبت به شهرنشینی نظری کاملاً مساعد و حتی ترغیب‌کننده دارد و در نتیجه نمی‌تواند نسبت به موضوعات مختلف مرتبط با شهر بی‌تفاوت باشد. بسیاری از محققین معتقدند اسلام اصولاً دین شهر است (Negizadeh, ۲۰۱۱: ۱۷). مطالعه در متون اسلامی نیز تأکید اسلام بر موضوع شهر و شهرنشینی را نشان می‌دهد. چنانچه علامه طباطبایی در تفسیر آیات یک تا بیست و یک سوره نحل می‌فرماید: "این آیه فصل دیگری از نعمت‌های الهی را بر می‌شمرد و آن نعمت دریاها، کوه‌ها، شهرها و راه‌ها و علامت‌هاست" (Tabatabai, 1995: 55). همچنان که در سطور قبل مشاهده می‌شود دین اسلام نه تنها به شهر و زندگی اجتماعی در شهر بی‌توجه نیست بلکه بر آن تأکید می‌ورزد و چنین دین کاملی نمی‌تواند نسبت به حل مشکلات شهری بی‌تفاوت باشد، لذا به حل مسائل بر اساس مشورت تأکید دارد و از آنجا که برنامه‌ریزی‌ها و رهیافت‌های نوین برنامه‌ریزی شهری (از جمله رهیافت توسعه اجتماع محلی) به مشارکت و مشورت در ارتباط با حل معضلات شهری پرداخته‌اند، می‌توان گفت دین اسلام با این نوع نگرش نه تنها بیگانه نیست، بلکه بر آن تأکید ورزیده است (Pourhosseyn & Mohammadpour, 2013: ۲۲۹). اسلام تنها دین و آیینی است که به درستی بنای دعوت خود را بر اجتماع استوار کرده و به لحاظ مدنی‌الطبع بودن انسان، امر اجتماع را در هیچ یک از شئون رها نکرده است. بی‌تردید، پس از خانواده که اساسی‌ترین واحد اجتماعی به شمار می‌رود، همسایگان که در قالب یک محله شکل می‌گیرند، مهمترین تشکیلات جامعه انسانی‌اند که در کنار انسجام و وحدتی که دارند، تعاملات و معاشرت‌های اجتماعی تأثیرگذاری با هم دارند که زمینه‌ساز شکل‌گیری یک الگوی فرهنگی و زیستی متناسب با هویت جمعی خوداند (Ghanbarinik, 2014: 1).

مواد و روش تحقیق:

در این پژوهش از تحلیل محتوی کیفی و روش دلفی به منظور بررسی و یافتن عوامل کلیدی مؤثر بر الگوی توسعه اجتماع محلی در شهر اسلامی استفاده شده است. تحلیل محتوی کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی، و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (Hsieh & Shanon, 2005: 7). این روش به تحلیل و آنالیز محتوی می‌پردازد و می‌کوشد با استفاده از تحلیل، داده‌هایی را در مورد متن استخراج کند و به منظور استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آنها به کار می‌رود (Krippendorff, ۲۰۱۶: ۲۵). دلفی روشی سیستماتیک در پژوهش برای استخراج نظرات از یک گروه از متخصصان در مورد یک موضوع یا یک سوال است که هم می‌تواند برای ساخت الگو به کار رود و هم روشی برای آزمون آن

1. mobilization

2. community capacity building

باشد. این روش در عمل، یک سری از پرسشنامه‌ها یا دوره‌های متوالی به همراه بازخوران کنترل شده‌ای است که تلاش دارد به اتفاق نظر میان یک گروه از افراد متخصص آذرباره یک موضوع خاص دست پیدا کند (Hasson & McKenna 2000: 108). در این پژوهش داده‌های مورد نیاز با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه و پرسشنامه جمع‌آوری شده است. بدین صورت که ابتدا از طریق مطالعه کتابخانه‌ای ادبیات مربوط به توسعه اجتماع محلی و شهر اسلامی و همچنین مصاحبه با خبرگان، شناخت نسبتاً جامعی از موضوع مورد پژوهش حاصل و کدهایی در مورد متن استخراج شده و بر همین اساس نیز چارچوبی مقدماتی فراهم شد. سپس، چارچوب اولیه با روش دلفی و از طریق پیمایش در قالب الگویی نهایی تکمیل شد. جامعه آماری این پژوهش اساتید دانشگاه، کارشناسان مهندسی مشاور شهرسازی و خبرگانی بوده‌اند که در حوزه توسعه اجتماع محلی و شهرهای اسلامی دارای تخصص و تجربه کاری بوده‌اند. نمونه‌گیری در این پژوهش، غیرتصادفی و هدفمند بوده و تعداد نمونه ۱۰ نفر بوده است.

بحث و ارائه یافته‌ها:

در این پژوهش، بعد از تعریف موضوع و ابعاد پژوهش و بر اساس سوابق مطالعات موجود، عوامل و عناصر شهری مرتبط با موضوع شناسایی گردید. پس از تعیین اعضای پانل، سه دور روش دلفی انجام شد. پرسشنامه‌های هر دور به روش حضوری و پست الکترونیکی توزیع و گردآوری شدند. پس از انجام مرحله مقدماتی و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، شاخص‌های مؤثر بر توسعه اجتماع محلی در شهر اسلامی و یا اصطلاحاً کدهای مربوطه از نگاه این خبرگان استخراج شد که در جدول ۱ قابل مشاهده است. سپس کدهای دریافتی (شاخص‌ها) با توجه به چارچوب نظری پژوهش و نظر خبرگان در ۱۳ دسته موضوعی دسته‌بندی شدند (معیارها) و سپس ۱۳ معیار بدست آمده بار دیگر در ۴ دسته موضوعی دیگر (مؤلفه‌ها) دسته‌بندی شدند. در نهایت معیارها و مؤلفه‌های الگوی مورد نظر معرفی گردید (جدول ۲).

جدول ۱- شاخص‌های استخراج شده الگوی توسعه اجتماع محلی در شهر اسلامی از تحلیل محتوی متون و مصاحبه خبرگان

مسجد محله، تمایل به مشارکت ساکنان، تهیه برنامه‌های مشارکتی در جهت توسعه اجتماع محله، اعتماد ساکنین محله به یکدیگر، آیین‌های عبادی و مذهبی، امنیت-بعد ذهنی (احساس امنیت و آرامش)، امنیت-بعد عینی (میزان جرم و جنایت)، صندوق قرض الحسنه مسجد، نهادهای مالی امور خیری، درآمد مطلوب و رفاه اقتصادی ساکنان، اعتماد ساکنین محله به مسئولین، وجود تعامل، احساس اخوت، احساس تعلق، حضور ریش سفیدان و معتمدین محله، روابط همسایگی سازنده، پایبندی به ارزش‌های دینی، میزان شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، تقسیم عادلانه امکانات محله، شفافیت، پاسخ‌گویی، آموزش مشارکت شهروندی، تعهدات و قراردادهای.

منبع: مطالعات نویسنده‌گان، ۱۳۹۷.

جدول ۲- معیارها و مؤلفه‌های ردیابی شده برای دسته‌بندی شاخص‌ها

مؤلفه‌ها	معیارها
نهادها و عوامل اثرگذار	مکان‌های مذهبی محله، عوامل فرهنگی
سیاست‌های کاربردی	عدالت محوری، مسئولیت‌پذیری، توانمندسازی، مشارکت در امور محله
سرمایه‌های اجتماعی	اعتماد، همبستگی اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی محله، هنجارها و ارزش‌های عرفی، امنیت اجتماعی
دارایی‌های مالی	تسهیلات موجود در محله، توان اقتصادی محله

منبع: مطالعات نویسنده‌گان، ۱۳۹۷.

در دور اول فهرستی از عوامل و عناصر مرتبط با توسعه اجتماعات محلی در شهر اسلامی که از چارچوب نظری و مصاحبه حضوری استخراج شده بودند، در اختیار اعضای پانل قرار گرفت تا میزان اهمیت هر یک را تعیین کنند. علاوه بر این از آنان خواسته شد، که موارد دیگری که از نظر آنان می‌بایست در این فهرست قرار می‌داشت را نیز اضافه کنند. در دور دوم فهرست تکمیل شده بار دیگر در اختیار هر یک از اعضا قرار گرفت. در دور سوم نظرات هر یک از اعضا در دور قبل در اختیار سایر اعضا قرار گرفت و مجدداً از آنها خواسته شد تا هر یک از عناصر را مورد ارزیابی قرار دهند. پس از پایان این دور و دستیابی به اتفاق نظر، انجام روش دلفی با تکمیل و نهایی‌سازی مفاهیم، مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌ها، خاتمه پذیرفت. با اجرای سه دور روش دلفی، میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های الگو مورد سؤال قرار گرفت. رتبه‌بندی آنها نشان می‌دهد که مؤلفه "سیاست‌های کاربردی"، با میانگین امتیاز ۸/۳۱ در دور سوم، بیشترین اهمیت را در برابر دیگر مؤلفه‌ها داشته است. همچنین معیار "مشارکت در امور محله" بیشترین اهمیت را در بین معیارهای این مؤلفه دارد. در این

¹. Rounds

². Expert panel

پژوهش، میانگین نمره‌های شاخص‌های یک معیار، نمره آن معیار را شکل می‌دهد و نمره هر مولفه برابر با میانگین نمره‌های معیارهای آن است.

جدول ۳- توصیف آماری نظر خبرگان در زمینه مولفه‌ها و معیارهای الگوی پژوهش

مؤلفه‌ها و معیارها	انحراف معیار مرحله اول	میانگین مرحله اول	انحراف معیار مرحله دوم	تغییر	میانگین مرحله دوم	تغییر	انحراف معیار مرحله سوم	تغییر	میانگین مرحله سوم	تغییر
مولفه‌ها										
نهاده‌ها و عوامل اثرگذار	۱/۱۸	۷/۹۰	۰/۹	-۰/۲۸	۸/۰۳	۰/۱۳	۰/۷۰	-۰/۲۰	۸/۱۵	۰/۱۲
سیاست‌های کاربردی	۱/۱۵	۸/۰۴	۰/۸۵	-۰/۳۰	۸/۲۰	۰/۱۶	۰/۹۲	-۰/۰۷	۸/۳۱	۰/۱۱
سرمایه‌های اجتماعی	۱/۲۰	۸/۰۱	۰/۷۷	-۰/۴۳	۸/۱۳	۰/۱۲	۰/۵۱	-۰/۲۶	۸/۲۷	۰/۱۴
دارایی‌های مالی	۱/۱۰	۸/۰۴	۰/۷۲	-۰/۳۸	۸/۱۳	۰/۰۹	۰/۶۷	-۰/۰۵	۸/۲۳	۰/۱۰
معیارها										
نهاده‌ها و عوامل اثرگذار	مکان‌های مذهبی محله	۱/۲۱	۸/۴۰	۱	-۰/۲۱	۸/۶۰	۰/۲۰	-۰/۰۴	۸/۷۰	۰/۱۰
	عوامل فرهنگی	۱/۱۴	۷/۴۱	۰/۹۲	-۰/۲۲	۷/۴۷	۰/۰۶	-۰/۱۰	۷/۶۰	۰/۱۵
سیاست‌های کاربردی	عدالت‌محوری	۱/۱۷	۷/۹۱	۱/۰۱	-۰/۱۶	۸/۰۴	۰/۱۳	-۰/۱۲	۸/۱۴	۰/۱۰
	مسئولیت‌پذیری	۱/۲۲	۸/۱۶	۱/۱۰	-۰/۱۲	۸/۲۱	۰/۰۵	-۰/۱۲	۸/۳۰	۰/۰۹
	توانمندسازی	۱/۲۳	۷/۹۸	۰/۷۷	-۰/۵۶	۸/۱۱	۰/۱۳	-۰/۰۶	۸/۲۴	۰/۱۳
	مشارکت	۱/۲۵	۸/۱۲	۰/۹۸	-۰/۲۷	۸/۴۶	۰/۳۴	-۰/۰۹	۸/۵۹	۰/۱۳
دارایی‌های اجتماعی	اعتماد	۱/۱۹	۸/۲۰	۰/۷۹	-۰/۴۰	۸/۳۳	۰/۱۳	-۰/۱۳	۸/۴۹	۰/۱۶
	همبستگی اجتماعی	۱/۲۰	۸/۲۵	۰/۹۴	-۰/۲۶	۸/۴۱	۰/۱۶	-۰/۱۱	۸/۵۲	۰/۱۱
	شبکه‌های اجتماعی محله	۱/۱۹	۷/۹۴	۰/۴۷	-۰/۷۲	۸	۰/۰۶	-۰/۰۸	۸/۱۶	۰/۱۶
	هنجارها و ارزش‌ها	۱/۲۲	۷/۶۷	۰/۷۱	-۰/۵۱	۷/۸۴	۰/۱۷	-۰/۰۷	۷/۹۷	۰/۱۳
دارایی‌های مالی	امنیت اجتماعی	۱/۲۴	۸	۰/۹۰	-۰/۳۴	۸/۱۱	۰/۱۱	-۰/۰۹	۸/۲۳	۰/۱۲
	تسهیلات موجود در محله	۱/۱۱	۷/۶۲	۰/۸۷	-۰/۲۴	۷/۷۱	۰/۰۹	-۰/۰۷	۷/۸۹	۰/۱۸
	توان اقتصادی	۱/۱۸	۸/۴۷	۰/۸۲	-۰/۳۶	۸/۵۵	۰/۰۸	-۰/۱۱	۸/۵۸	۰/۰۳

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷.

شاخص‌های مربوط به معیارهای مولفه نهاده‌ها و عوامل اثرگذار:

مؤلفه نهاده‌ها و عوامل اثرگذار دارای دو معیار مکان‌های مذهبی محله و عوامل فرهنگی است که شاخص مسجد محله به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های این الگو شناسایی شده است. نهاد مسجد یک نهاد مذهبی است که در جوامع اسلامی حضوری فعال دارد، و این نهاد از تأثیرگذارترین نهادهای موجود در ساختار شهرهای اسلامی است و به جرات می‌توان گفت که شایسته‌ترین عرصه و بهترین مکان برای تعاملات اجتماعی و مشارکت‌های اجتماعی در سطح محله در شهرهای اسلامی، نهاد مسجد است. پایبندی به ارزش‌های دینی، مهمترین شاخص معیار عوامل فرهنگی است که به نظر خبرگان پژوهش، این شاخص قبل از هر چیز می‌تواند باعث رعایت شئون اخلاقی در افراد موجود در اجتماعات محلی شود. رتبه دوم در معیار عوامل فرهنگی به شاخص میزان شرکت در فعالیت‌های فرهنگی مربوط است. از دید خبرگان پژوهش میزان شرکت در فعالیت‌های فرهنگی می‌تواند با میزان مشارکت ساکنان در فعالیت‌های مربوط به محله رابطه مستقیم داشته باشد.

جدول ۴- توصیف آماری نظر خبرگان در زمینه شاخص‌های مولفه نهادها و عوامل اثرگذار

شاخص‌ها	معیار اول	معیار دوم	معیار سوم	معیار چهارم	معیار پنجم	معیار ششم	معیار هفتم	معیار هشتم	معیار نهم	
مکان‌های مذهبی محله										
مسجد محله	۱/۲۱	۸/۴۰	۱	-۰/۲۱	۸/۶۰	۰/۲۰	۰/۹۶	-۰/۰۴	۸/۷۰	۰/۱۰
عوامل فرهنگی										
پایبندی به ارزش‌های دینی	۱/۰۲	۷/۵۳	۰/۷۵	-۰/۲۷	۷/۵۱	-۰/۰۲	۰/۶۹	-۰/۰۶	۷/۶۷	۰/۱۶
میزان شرکت در فعالیت‌های فرهنگی	۱/۱۳	۷/۳۹	۰/۹۸	-۰/۱۵	۷/۴۳	۰/۱۴	۰/۹۹	۰/۰۱	۷/۵۳	۰/۱۰

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷.

شاخص‌های مربوط به معیارهای مؤلفه سیاست‌های کاربردی:

سیاست‌های کاربردی، مجموعه اقداماتی است که نهاد مدیریتی در الگوی توسعه اجتماع محلی در راستای وظایف خود به منظور دستیابی به اهداف توسعه اجتماع محلی اتخاذ می‌نماید. این مؤلفه دارای چهار معیار عدالت محوری، مسئولیت پذیری، توانمندسازی و مشارکت در امور محله است. تمایل به مشارکت ساکنان، مهم‌ترین شاخص مؤلفه سیاست‌های کاربردی است، چرا که از دیدگاه خبرگان پژوهش، عدم تمایل به مشارکت در امور مربوط به اجتماع محله‌ای باعث نوعی بی‌تفاوتی نسبت به اجتماع شده که همین مسئله نیز باعث دور شدن شهروندان از فرایندهای تصمیم‌گیری خواهد شد، در نتیجه تهیه برنامه‌های مشارکتی توسعه محلی می‌تواند بهترین محرک در جهت ترغیب شهروندان به مشارکت در اجتماع محلی باشد. در این الگو، معیار مسئولیت‌پذیری در ارتباط با دو شاخص شفافیت و پاسخگویی تعریف می‌شود. شفافیت به این مفهوم که تصمیمات گرفته شده و اجرای آنها با پیروی از مقررات قانونی و در معرض نگاه و قضاوت عمومی انجام شود و پاسخگویی یعنی جواب دادن به کسانی که تصمیمات گرفته شده بر آنها تأثیر می‌پذیرد. آموزش مشارکت شهروندی شاخصی است که به گفته خبرگان به عنوان پیش‌نیاز مشارکت در نظر گرفته می‌شود. در الگوی توسعه اجتماع محلی در شهر اسلامی، مرحله نخست آموزش شهروندی مربوط به آگاه ساختن شهروندان نسبت به حقوق و آزادی‌های خود و دیگر شهروندان است و مرحله دوم آماده‌سازی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و تشویق و ترغیب آنها برای تحقق حقوق و آزادی‌های خودشان است. شاخص تقسیم عادلانه امکانات محله شاخصی است که می‌تواند اعتماد شهروندان را نسبت مدیریت توسعه محلی جلب نماید چرا که اساساً توسعه اجتماع محلی به معنای بسط عدالت اجتماعی در محله است و نمود توسعه محلی در این است که همه مردم و ساکنان محله از همه گروه‌ها، از حقوق و امکانات برابر استفاده کنند.

جدول ۵- توصیف آماری نظر خبرگان در زمینه شاخص‌های مولفه سیاست‌های کاربردی

شاخص‌ها	معیار اول	معیار دوم	معیار سوم	معیار چهارم	معیار پنجم	معیار ششم	معیار هفتم	معیار هشتم	معیار نهم	
عدالت محوری										
تقسیم عادلانه امکانات محله	۱/۱۷	۷/۹۱	۱/۰۱	-۰/۱۶	۸/۰۴	۰/۱۳	۰/۸۹	-۰/۱۲	۸/۱۴	۰/۱۰
مسئولیت‌پذیری										
شفافیت	۱/۱۲	۸/۲۲	۰/۸۲	-۰/۳۰	۸/۲۸	۰/۰۶	۰/۷۱	-۰/۱۱	۸/۳۵	۰/۰۷
پاسخگویی	۱/۳۴	۸/۱۰	۰/۹۹	-۰/۳۵	۸/۱۴	۰/۰۴	۰/۷۴	-۰/۲۵	۸/۲۵	۰/۱۱
توانمندسازی										
آموزش مشارکت شهروندی	۱/۲۳	۷/۹۸	۰/۷۷	-۰/۵۶	۸/۱۱	۰/۱۳	۰/۸۳	۰/۰۶	۸/۲۴	۰/۱۳
مشارکت در امور محله										
تمایل به مشارکت ساکنان	۰/۸۹	۸/۱۵	۰/۸۱	-۰/۰۸	۸/۶۰	۰/۴۵	۰/۷۴	-۰/۰۷	۸/۷۲	۰/۱۲
برنامه مشارکتی توسعه محله	۱/۰۵	۸/۰۹	۰/۹۵	-۰/۱۴	۸/۳۲	۰/۲۳	۰/۸۱	-۰/۱۴	۸/۴۶	۰/۱۴

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷.

شاخص‌های مربوط به معیارهای مولفه سرمایه اجتماعی:

مولفه سرمایه اجتماعی دارای پنج معیار اعتماد، همبستگی اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی محله، هنجارها و ارزش‌های عرفی و امنیت اجتماعی است. احساس تعلق نسبت به محله و اجتماع مهم‌ترین شاخص مولفه سرمایه اجتماعی است که باعث ایجاد انگیزش درونی در شهروندان و تعامل و مشارکت بیشتر آنها می‌شود. از دید خبرگان پژوهش، شاخص اعتماد یک عامل کلیدی برای مشارکت شهروندان است، به طوری که نبود آن باعث کاهش موفقیت فرایند ایجاد تغییرات و بهبود مشارکت مردمی در تهیه و اجرای طرح‌ها می‌شود. از سوی دیگر شاخص امنیت در محله به عنوان یکی از ضروریات و پیش شرط‌های توسعه محسوب می‌شود که بدون آن عملاً توسعه در سطح اجتماعات محلی ناممکن خواهد بود.

جدول ۶- توصیف آماری نظر خبرگان در زمینه شاخص‌های مولفه سرمایه اجتماعی

شاخص‌ها	میانگین مرحله اول	میانگین مرحله دوم	انحراف معیار مرحله اول	انحراف معیار مرحله دوم	تغییر	میانگین مرحله دوم	انحراف معیار مرحله سوم	تغییر	میانگین مرحله سوم	انحراف معیار مرحله سوم	تغییر
اعتماد											
اعتماد ساکنین محله به یکدیگر	۱	۸/۳۲	۰/۸۳	-۰/۱۷	۸/۴۰	۰/۰۸	۰/۸۰	-۰/۰۳	۸/۵۳	۰/۱۳	
اعتماد ساکنین محله به مسئولین	۱/۲۱	۸/۰۸	۰/۸۷	-۰/۳۴	۸/۲۶	۰/۱۸	۰/۸۱	-۰/۰۶	۸/۴۵	۰/۱۹	
همبستگی اجتماعی											
تعامل	۱/۱۰	۸/۲۹	۰/۹۳	-۰/۱۷	۸/۴۵	۰/۱۶	۰/۷۹	-۰/۱۴	۸/۶۶	۰/۲۱	
اخوت	۱/۴۸	۷/۹۱	۰/۸۲	-۰/۶۶	۸/۱۵	۰/۳۴	۰/۶۱	-۰/۲۱	۸/۱۹	۰/۰۴	
احساس تعلق	۱/۰۳	۸/۵۵	۰/۷۷	-۰/۲۶	۸/۶۳	۰/۰۸	۰/۷۱	-۰/۰۶	۸/۷۱	۰/۰۸	
شبکه‌های اجتماعی محله											
ریش سفیدان و معتمدین محله	۱/۲۲	۷/۷۵	۰/۹۵	-۰/۲۷	۷/۷۹	۰/۰۴	۰/۸۸	-۰/۰۷	۸/۰۲	۰/۲۳	
روابط همسایگی	۱/۵۱	۸/۱۳	۱	-۰/۵۱	۸/۲۱	۰/۰۸	۰/۹۲	-۰/۰۸	۸/۳۰	۰/۰۹	
هنجارها و ارزش‌های عرفی											
تعهدات و قراردادهای	۱/۳۷	۷/۸۵	۰/۸۲	-۰/۵۵	۷/۹۰	۰/۰۵	۰/۷۹	-۰/۰۳	۸/۰۶	۰/۱۶	
آیین‌های عبادی و مذهبی	۱/۳۳	۷/۴۹	۰/۹۷	-۰/۳۶	۷/۷۸	۰/۳۹	۰/۸۲	-۰/۱۵	۷/۸۸	۰/۱۰	
امنیت اجتماعی											
بعد عینی (میزان جرم و جنایت)	۱/۴۱	۸/۲۰	۰/۸۸	-۰/۵۳	۸/۲۶	۰/۰۶	۰/۸۱	-۰/۰۷	۸/۲۹	۰/۰۳	
بعد ذهنی (احساس امنیت و آرامش)	۱/۴۳	۷/۸۰	۰/۷۹	-۰/۶۴	۷/۹۶	۰/۱۶	۰/۶۹	-۰/۱۰	۸/۱۷	۰/۲۱	

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷.

شاخص‌های مربوط به معیارهای مؤلفه دارایی‌های مالی:

مؤلفه دارایی‌های مالی دارای دو معیار تسهیلات محله و توان اقتصادی محله است. دو شاخص صندوق قرض‌الحسنه مسجد و درآمد مطلوب و رفاه اقتصادی ساکنان مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اجتماع محلی می‌باشند. تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه، حفظ سپرده‌های مردمی و واگذاری وام بدون بهره به ساکنان شهرها، کمک اقتصادی قابل توجهی به توان اقتصادی مردم به ویژه در سطح محلات می‌کند و این سنت حسنه قرون متمادی است که در میان مؤمنین نمازگزار مساجد انجام می‌شود.

جدول ۷- توصیف آماری نظر خبرگان در زمینه شاخص‌های مولفه‌های دارایی‌های مالی

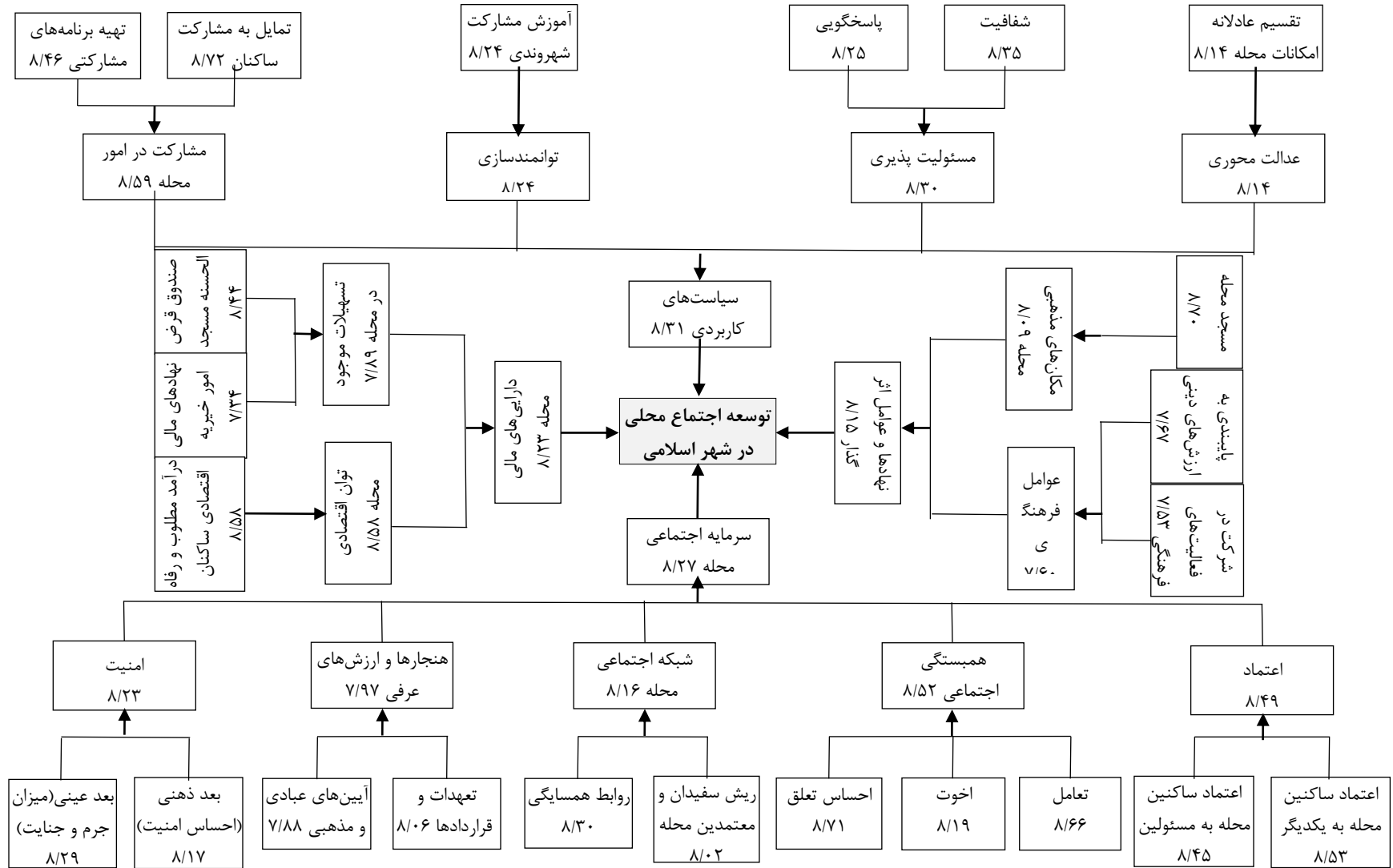
شاخص‌ها	تخراف معیار مرحله اول	میانگین مرحله اول	تخراف معیار مرحله دوم	میانگین مرحله دوم	تخراف معیار مرحله سوم	میانگین مرحله سوم	تخراف معیار مرحله سوم	میانگین مرحله سوم
تسهیلات محله								
صندوق قرض الحسنه مسجد	۱/۴۷	۸/۱۶	۰/۷۴	-۰/۷۳	۸/۲۹	۰/۱۳	۰/۷۰	-۰/۰۴
نهادهای مالی امور خیریه	۱/۵۳	۷/۰۸	-۰/۹۶	-۰/۵۷	۷/۱۳	۰/۰۵	۰/۸۲	-۰/۱۴
توان اقتصادی محله								
درآمد مطلوب و رفاه اقتصادی ساکنان	۱/۱۸	۸/۴۷	-۰/۸۲	-۰/۳۶	۸/۵۵	۰/۰۸	۰/۷۱	-۰/۱۱

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷.

مقیاس اتفاق نظر:

در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از "ضریب هماهنگی کندال" استفاده شد. این ضریب مقیاسی است برای تعیین درجه هماهنگی و موافقت میان چندین دسته رتبه‌ی مربوط به N شیء یا فرد. ضریب هماهنگی کندال نشان می‌دهد که افرادی که چند مقوله را بر اساس اهمیت آنها مرتب کرده‌اند، اساساً معیارهای مشابهی را برای قضاوت درباره اهمیت هر یک از مقوله‌ها به کار برده‌اند و از این لحاظ با یکدیگر اتفاق نظر دارند. در پایان دور سوم روش دلفی، ضریب هماهنگی کندال برای این پژوهش معادل ۰/۵۹ بدست آمد که به مقدار نسبتاً متوسط تا زیاد می‌توان به ترتیب عوامل آن اعتماد کرد. با اتمام روش دلفی، الگوی بدست آمده شامل ۴ مولفه، ۱۳ معیار و ۲۳ شاخص می‌باشد. تصویر شماره ۱ شمای کلی الگوی توسعه اجتماع محلی مسجد محور را نشان می‌دهد.

تصویر شماره ۱- الگوی توسعه اجتماع محلی در شهر اسلامی



نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

این پژوهش در پی آن بود که چگونه می‌توان با استفاده از مبانی نظری و نظر خبرگان در روش دلفی، الگویی برای توسعه اجتماعات محلی در شهر اسلامی ارائه داد. ابتدا با مرور منابع و به کمک تحلیل محتوای کیفی، کدهای مربوط به انگاشت توسعه اجتماع محلی و شهر اسلامی استخراج شدند. سپس حلقه ده نفره از خبرگان و متخصصین امر انتخاب شدند و با اجرای سه دور پژوهش دلفی، میزان اهمیت هر یک از مولفه‌ها، معیارها و شاخص‌های الگو مورد سؤال قرار گرفت و در نهایت تمام مولفه‌ها، معیارها و شاخص‌های موثر در توسعه اجتماع محلی در شهر اسلامی به همراه وزن و رتبه‌های مربوطه مورد استخراج قرار گرفت. در این پژوهش مشخص شد که مولفه سیاست‌های کاربردی توسعه اجتماع محلی با معیارهای مشارکت در امور محله (به عنوان مهم‌ترین معیار)، عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری و توانمندسازی از نظر خبرگان پژوهش، بیشترین اهمیت را نسبت به دیگر مولفه‌ها در راستای دستیابی به الگوی توسعه اجتماع محلی در شهر اسلامی دارد. همانطور که در یافته‌های پژوهش مشخص می‌شود، مهم‌ترین شاخص برای تحقق مشارکت در امور محله، تمایل ساکنان به مشارکت و تهیه برنامه‌های مشارکتی در جهت توسعه اجتماع محلی است. این مطلب موضوعی است که پژوهش‌های زیادی درباره آن صورت گرفته و راهکارهای زیادی به منظور تحقق آن در قالب این پژوهش‌ها پیشنهاد شده است. بعد از مولفه سیاست‌های کاربردی، مولفه دارایی‌های مالی با دو معیار توان اقتصادی محله و تسهیلات موجود در محله از بیشترین اهمیت برخوردار است. از نظر خبرگان پژوهش، درآمد مطلوب و رفاه اقتصادی ساکنان محله یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در بین تمامی شاخص‌های توسعه اجتماع محلی است که می‌تواند در الگوی توسعه اجتماع حضور داشته باشد. همچنین با بررسی یافته‌های پژوهش مشخص می‌شود که از بین پنج معیار مولفه دارایی‌های اجتماعی، معیار همبستگی اجتماعی از اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به دیگر معیارها برخوردار است و از بین شاخص‌های همبستگی اجتماعی، شاخص احساس تعلق به اجتماع و محله از اهمیت بیشتری برخوردار است. حس تعلق به محله بر مشارکت ساکنین محله در فعالیت‌های داوطلبانه و عضویت در نهادهای محلی تاثیر مستقیم دارد و باعث تسهیل فرایند مشارکت در محله می‌شود. در بین شاخص‌های مربوط به مولفه نهادها و عوامل اثرگذار، شاخص مسجد محله از بیشترین اولویت برخوردار است. مسجد نهادی است که در اجرای عدالت اجتماعی و توزیع متناسب بیت‌المال، فقر زدایی و ... نقش مهمی را ایفا می‌کند، علاوه بر اینها مسجد در انعکاس نقطه نظرها و پیشنهادهای مردم شهرها و محله‌ها به مسئولان و تاثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری و مدیریت خرد کشور می‌تواند بسیار تاثیر گذار باشد. از آنجا که در دین اسلام، عبادات جمعی که زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی مابین مسلمانان و ایجاد حس برابری و برادری در بین آنها است در مسجد برپا می‌شود و از آنجا که تعاملات اجتماعی و ارتقای آگاهی‌های عمومی نسبت به یکدیگر و نسبت به موضوعات محله و اهتمام در رفع مشکلات و ارتقای مساعدت‌ها و همکاری‌ها که خود نتیجه حضور مردم در جمعی صمیمی و در مکانی مشخص است و به وحدت اجتماعی کمک می‌کند، نقش مسجد را در توسعه اجتماع محله‌ای پررنگ‌تر می‌کند. پس از شاخص مسجد محله، شاخص پابندی به ارزش‌های دینی یکی دیگر از شاخص‌هایی است که برای توسعه اجتماع محلی در شهر اسلامی در نظر گرفته شده است. نقش دین در کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی و ارتقای سطح ارزش‌های اخلاقی و انسانی و بالا رفتن ضریب امنیت و مشارکت‌های مردمی و مسئولیت‌های اجتماعی تردید‌ناپذیر است، اما چیزی که در حال حاضر مشهود است این است که از ظرفیت مساجد و دین اسلام و توانمندی ساکنان برای توسعه اجتماعات محلی به درستی استفاده نمی‌شود، در صورتی که می‌توان با ساماندهی و برنامه‌ریزی صحیح بویژه برای مساجد محلی، نقش آنها را در توسعه اجتماعات محلی در شهرهای اسلامی پررنگ‌تر کرد.

References

1. Afsari, Ali (2013): *Social capital in Islam. Journal of interdisciplinary research of the Quran*, 1, pp: 101 - 118
2. Arnstein, Sh, (1969): *A Ladder of Citizen Participation. Journal of the American Association*, 35, pp: 215 - 224
3. Autar, D, (2000): *Social Capital and Community Development. Community Development Journal* 35, pp: 199 - 214
4. Botchwey, N, (2007): *The Religious Sectors Presence in Local Community Development, Journal of Planning Education and Research*, 27, pp: 36-48.
5. Christenson JA, Robinson JW (1989): *Community Development in Perspective*, Iowa State University Press, Ames.

6. Daneshpour, Abdalhadi and rousta, Maryam (2013): *The Conceptual Framework for a Sustainable Community in Islamic Worldview and Muslim Urbanism Tradition*, *Journal of Islamic Architectural Research*, 1, pp: 9 - 24
7. Deller, S.D. and Shields, M. (1998): *Economic impact modeling as a tool for Community Economic Development*, Pennsylvania State University, USA.
8. Fridmann, J. (1987): *Toward a Non-Euclidian Mode of Planning*, *APA Journal*, pp: 482-485
9. Ghanbirinik, Seyfollah (2014). *Neighborhood Relationships in Islamic Life Style*. *Islamic Studies Journal and Social Studies*, 4, pp: 108 - 137
10. Grant, H. (2006): *Planning the Good Community: New Urbanism in Theory and Practice*, Routledg, London and Newyork.
11. Green, G.P and Haines, A. (2002): *Asset Building and Community Development*, Sage Publications, USA.
12. Hasson, F and McKenna H, (2000): *Research guidelines for the Delphi survey technique*, *Journal of Advanced Nursing*, 32, pp: 16-43
13. Hsieh, H & Shanon, S (2005): *Three Approaches to Content Analysis*, *Qualitativr Health Research*, 15, pp: 14-33
14. Hudson, B (1978): *Planning: Typologies, Issues and Application Context*, UCLA School of Architecture and Urban Planning, Los Angles, USA.
15. Krippendorff, Klaus (2016), *Content analysis: an introduction to its methodology*, Sage Publications, London.
16. Mehdizadeh, Javad et al (2011): *Strategic planning of urban development (Global Experiences and Its Position in Iran)*, First Edition, Ministry of Housing and Urban Development Publications. Tehran
17. Molahasani, Hoseyn (2014): *Neighborhood social capital*, *Neighborhood Development Conference on Sustainable Development Perspectives in Tehran*, Vol 2, pp: 2 – 16
18. Negizzadeh, Mohammad (2011). *The roots of Islamic city in Islamic texts*. *Journal of Ketab-e Honar*, 155, pp: 12 - 26
19. Phillips, R and Pittman, R. (2009): *An Introduction to Community Development*, Routledg, London and Newyork.
20. Piran, Parviz et al (2014): *Encyclopedia of urban and rural management, Iran's Municipalities and village administrators*, First Edition. Tehran
21. Pourhosseyn hamid and Mohammadpour saber (2013): *Islamic Neighborhood Planning with Emphasis on the Council-Oriented Paradigm*, *Second National Conference of Islamic City*, 1, pp: 215 – 236
22. Sadeghi Soheyla and daris, Pouya (2014): *The role of the mosque institution in the Iranian Islamic model of progress*, *The Third Iranian Islamic Patterns of Progress Conference*, vol 3, Tehran, pp: 1687 - 1710
23. Sarrafi, Mozaffar et al (2015). *Sustainability of the Iranian city: Investigating the challenges and the Role of Urban Development Planning*, Elm Publications, Tehran.
24. Tabatabai, Mohammad Hussein (1995), *Almizan*. Translated by Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamedani, Islamic Publshions of Qom seminary scholar's community



Research Paper

Developing a community development pattern in Islamic City

Mohammad Taghi Pirbabei: Associate Professor in Islamic Urbanism department, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Parisa Hashempour: Associate Professor in Islamic Urbanism Department, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Peyman Zadeh Bagheri: PhD Candidate in Islamic Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Received: 2018/11/13 PP: 111-112 Accepted: 2019/3/11

Abstract

Local community development topic, in spite of a relatively long history in scientific and executive texts, are considered by the West in the late 1980s as a local development and as a major issue. However, in the Islamic cities, the topic of the community development in spite of its epistemological foundations has been considered less, and there are few written sources available, and the number of books and research published in this regard are very few. Therefore, recognizing the indices and their importance for developing the model in order to community development which is appropriate with Islamic cities condition can make this planning approach more effective than before. In this regard, the aim of this paper is to recognize the elements of the community development model and the method of this research with regards to research questions and goals is qualitative that made from two phases of systematic review of literature and survey –unreview by elites by method of Delphi. In this research, the main dimensions of the proposed model, obtained from three rounds of the Delphi method, including four components, 13 criteria and 23 indicators. In this model, the weight of each category and order of the indicators importance in each category are shown. According to research experts, the practical policies of community development with the score of 8/31 is the most important indicators in the community development pattern in the Islamic city which has the criteria such as justice; responsibility, enabling and participation in neighborhoods affairs. The social capital factor in the second place with the score of 8/27, fiscal assets of community with score of 8/23 and institutions and influential factors with the score of 8/15 are in the nest ranks. In the final step of third round in Delphi method, Kendal consistency quotients has been calculated 0/59 for this research that can be trusted normally.

Key Word: Community, Community Development, Islamic City, Delphi method.

Extended abstract:

Introduction:

In the Islamic country of Iran, the community development pattern has attracted much attention of the urban planners and managers in the country and some studies have carried out on this issue. But attention to the Islamic worldview has been forgotten in this pattern, because the community development pattern in Western countries is based on the material worldview and the value system of the West, and it seems that the use of this planning pattern without considering the Islamic worldview can't have significant effect on Islamic cities. Therefore, the first step is to identify the elements and elements of community development in the Islamic city in order to solve such problems. Therefore, the main question of this study is "What are the

dimensions and indicators of community development in the Islamic city and “How much are they important in terms of the impact on the effectiveness of the neighborhood performance?”

Methodology:

In the present study was conducted aimed to investigate and find the key factors affecting the development of local community in the Islamic city with the qualitative content analysis approach. In such a way that, first, using library study, the literature on the community and the Islamic city development was extracted, as well as interviewing the experts, a relatively comprehensive understanding about the subject matter was achieved and codes were extracted about the text, then a preliminary framework was provided.

Then, the initial framework will be completed in form of final template using the Delphi method and through surveying. Library studies, interviews and questionnaires were used to collect data. The statistical population of this study includes university professors, experts in civil engineering consultants and experts who were skilled and had enough experiences in the field of local community and Islamic cities development.

Results and discussion:

it was concluded that the component of applied policies with the criteria for participation in neighborhood affairs (as the most important criterion), Being justice-based, responsibility, and empowerment are most important than other components from the experts point of view in order to achieve the community development pattern in the Islamic city. Also, by studying the results of this study, it can be concluded that among the five criteria of social asset component, social solidarity criterion is the most important one and among the indicators of social solidarity.

Conclusion:

According to the results of this study, for local community development in Islamic cities there should be policies for development and dependency on local assets. the most important indicator for realizing participation in neighborhood affairs is residents' willingness to participate and preparing participatory plans for the community development. The sense of belonging to the neighborhood has a direct effect on the participation of neighborhood's residents in voluntary activities and membership of neighborhood institutions and it leads to facilitate the process of participation in the neighborhood. The index of the neighborhood mosque is the highest priority among the indicators related to the component of institutions and effective factors. The mosque is considered as an institution that plays an important role in the implementation of social justice and distribution of Beye al-mal fairly, poverty alleviation, and more.